

ویژگی انسان در طراز جمهوری اسلامی ایران بر اساس سند تحول بنیادین

سجاد گلی^۱، محمد دوستی^۲، زهرا دوستی^۳، مهران گلی^۴، سید عباس حسینی^۵

^۱ دانشجوی کارشناسی رشته علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان اردبیل - ایران (نویسنده مسئول)

^۲ دانشجوی کارشناسی رشته علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان اردبیل - ایران

^۳ دانشجوی کارشناسی ارشد روان شناسی تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل - ایران

^۴ دانشجوی کارشناسی ارشد رشته آموزش ادبیات فارسی دانشگاه محقق اردبیلی - ایران

^۵ دانشجوی کارشناسی رشته علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان اردبیل - ایران

چکیده

انسان در نگاه سند تحول بنیادین از جایگاه رفیعی برخوردار می باشد؛ چرا که از انسان به عنوان یک تربیت پذیر فعال یاد می شود و در تمام سند به جای واژه تربیت کردن از واژه تربیت شدن استفاده شده است. روش پژوهش حاضر توصیفی - تحلیلی است و با گردآوری داده ها از متون مرتبط با موضوع، ویژگی انسان در طراز جمهوری اسلامی ایران را از نگاه سند تحول بنیادین مورد بررسی قرار داده است. در این مقاله ابتدا به مفهوم شناسی تعلیم و تربیت و نسبت سنجی آن پرداخته شده و در ادامه با بررسی ویژگی های تربیت و تعلیم از منظر سند بنیادین تحول اشاره نموده سپس اهداف کلان را مورد بررسی قرار می دهد. نتایج پژوهش های صورت گرفته شده، بر این مطلب تاکید دارد که سند تحول بنیادین در پی تربیت انسان برتر در ابعاد مختلف از جمله انسان خلاق، متخلق به اخلاق الهی، مثبت گرا، امیدوار به آینده، ظلم ستیز و عدالت گستر می باشد و نظام تعلیم و تربیت و مدارس موظف به فراهم نمودن شرایط لازم برای رسیدن به اهداف می باشند.

می باشد.

واژه های کلیدی: سند تحول بنیادین، تعلیم و تربیت، انسان در طراز

مقدمه

تعلیم و تربیت در اسلام با نزول اولین آیات وحی بر پیامبر اکرم (ص) آغاز و با خطاب «اقْرَأْ وَ رَبُّكَ الْأَكْرَمُ؛ الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ؛ عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ» (سوره علق، آیات ۳ تا ۵)، منشأ و مشیت الهی به خود گرفت؛ که در این آیات اولیه بر دو عنصر بنیادین تعلیم و تربیت، یعنی کسب علم و دانش از یک سو و تعالی روح و کمال انسانی از سوی دیگر تأکید می شود. (حسینی، ۱۳۷۹: ۳)

یکی از ویژگی هایی که می توان برای قرآن بر شمرد؛ این است که خود قرآن کتابی تربیتی برای انسان ها می باشد. قرآن سعی دارد به تربیت انسان ها در مرحله های مختلف زندگی بپردازد و راه درست را به انسان ها نشان دهد، این آموزه ها در سوره های مختلف قرآن از جمله سوره بقره، جن، اسرا و ... قابل درک می باشد که اوج آموزه های تربیتی قرآن در سوره لقمان می باشد که این آموزه ها را از زبان لقمان به فرزندش خطاب نموده است. مانند آیات «وَ إِذْ قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ وَ هُوَ يَعِظُهُ يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ»^۱ «يَا بُنَيَّ إِنَّهَا إِنْ تَكُ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ فَتَكُنْ فِي صَخْرَةٍ أَوْ فِي السَّمَاوَاتِ أَوْ فِي الْأَرْضِ يَأْتِ بِهَا اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ»^۲ «يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَ أْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ اصْبِرْ عَلَى مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ»^۳ «وَ لَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَ لَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ»^۴ که مسائل مختلف از جمله: عدم شرک به خداوند متعال، مغرور نبودن، انجام کار نیک و ... را به فرزندش آموزش می دهد.

خداوند متعال در آیات ۵ تا ۱۱ سوره علق می فرماید: «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ، خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ، اقْرَأْ وَ رَبُّكَ الْأَكْرَمُ، الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ، عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ» «بخوان به نام پروردگارت که آفرید، انسان را از علق آفرید، بخوان و پروردگار تو کریمترین [کریمان] است، همان کس که به وسیله قلم آموخت، آنچه را که انسان نمی دانست [ابتداریج به او] آموخت»

هدف آموزه ها یا تربیت اسلامی آن است که مقدمات حرکت و هدایت آدمی را در صراط مستقیم پرستش پروردگار فراهم کند و معراج وی را به مرحله کمال انسانی آسان سازد، و راه بازگشت به احسن تقویمی را که بنیاد آفرینش وی بر آن استوار است، هموار کند و به یاری عمل صالح، از مراحل مدارج علم و ایمان بگذرد و هر لحظه بیش تر به خدا - که مقصد نهایی این سلوک است - نزدیک کند.

این هدف باید متناسب با حقیقت انسان باشد، همان مقصدی که آدمی برای آن آفریده شده است و آفرینش به آن می خواند. چنانچه این امر فراموش شود، راه نیز فراموش می شود و انسان نیز به بی راهه می رود، و مقاصد را دنبال می کند که با حقیقت وجودی اش سازگار نیست و پا در راه هایی می گذارد که او را به مقصد کمال نمی رساند، و این امر سبب گم گشتگی و تباهی انسان می شود.

«و لا تكونوا كالذين نسوا الله فانساهم انفسهم اوائك هم الفاسقون»^۵ و مانند کسانی نباشید که خدای را فراموش کردند و خدا خودشان را فراموششان ساخت. اینان همان فاسقان اند.» (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۱)

سوره لقمان، آیه ۱۳.^۱

سوره لقمان، آیه ۱۶.^۲

سوره لقمان، آیه ۱۷.^۳

سوره لقمان، آیه ۱۸.^۴

سوره حشر، آیه ۱۹.^۵

مسئله و روش پژوهش

سیستم تعلیم و تربیت هر کشوری تضمین کننده آینده هر کشور می باشد. تعلیم و تربیت کشور ما نیز بر اساس شرایط کشور باید باشد و بر اساس این دیدگاه سند تحول بنیادین آموزش و پرورش تدوین شده و اجرایی گردیده است. با توجه به موضوع پژوهش، مسئله پژوهش به شرح زیر می باشد: بر اساس سند تحول بنیادین، انسان در طراز جمهوری اسلامی ایران چه ویژگی هایی می تواند داشته باشد؟ با توجه به مسئله پژوهش، روشی که می توان به این مسئله پاسخ داد، روش پژوهش توصیفی- تحلیلی می باشد. که با گردآوری داده ها از متون مرتبط با موضوع و مسئله پژوهش، به واکاوی سند تحول بنیادین پرداخته، سپس مطالب گردآوری شده با تفکر و تأمل به صورت منظم، مرتب و منسجم تدوین گردیده است.

پیشینه پژوهش

در حوزه واکاوی سند تحول بنیادین، همایش ها و پژوهش های متعددی صورت گرفته است که بیشتر به واکاوی و بررسی نقاط قوت و ضعف سند تحول بنیادین آموزش و پرورش پرداخته است و سعی در آسیب شناسی این سند داشته اند و در برخی دیگر سعی به بررسی نقش معلمان، دانش آموزان، مدارس و ... در تحقق کامل این سند پرداخته شده است.

مفهوم شناسی تعلیم و تربیت و نسبت سنجی آن ها

«تربیت عبارت است از فرایند تعاملی زمینه ساز تکوین و تعالی پیوسته هویت متربیان، به صورتی یک پارچه و مبتنی بر نظام معیار اسلامی، به منظور هدایت ایشان در مسیر آماده شدن جهت تحقق آگاهانه و اختیاری مراتب حیات طیبیه در همه ابعاد». طی این حرکت هدفمند، پیوسته و تعاملی:

(۱) مربیان با طراحی، سازماندهی و تدارک فرصت های مناسب در قالب تدابیر و اعمالی تدریجی، سنجیده، هماهنگ و یک پارچه بر اساس نظام معیار اسلامی می کوشند، تا با ایجاد مقتضیات و رفع موانع موجود و دفع موانع محتمل، زمینه ای را فراهم سازند که ضمن شکوفایی فطرت، رشد همه جانبه استعداد های طبیعی و تنظیم متعادل امیال و عواطف متربیان، هویت فردی و جمعی ایشان به تدریج و به صورتی یک پارچه بر مبنای نظام معیار اسلامی شکل گیرد و به طور پیوسته تعالی یابد تا در نتیجه جامعه صالح تشکیل شود و به سوی پیشرفت همه جانبه و مداوم حرکت نماید.

(۲) متربیان نیز با مشارکت فعال در این فرایند و استفاده مناسب از فرصت های فراهم شده توسط مربیان، شایستگی های فردی و جمعی لازم جهت درک و بهبود مداوم موفقیت خود و دیگران را بر اساس نظام معیار اسلامی، کسب می کنند و از این طریق آماده می شوند تا به طور آگاهانه و اختیاری مراتب حیات طیبیه را در همه ابعاد محقق سازند.

غایت، نتیجه و هدف کلی تربیت:

می توان گفت که از منظر اسلامی، تحقق مراتب حیات طیبیه در همه ابعاد، غایت مشترک تمامی نهاد ها و عوامل اجتماعی و مقصود نهایی همه فعالیت های فردی و جمعی برای حرکت در مسیر کمال شایسته انسان (قربالی الله) است. -نتیجه فرایند تربیت، آماده شدن افراد جامعه برای تحقق آگاهانه و اختیاری مراتب حیات طیبیه در همه ابعاد، در مسیر قرب الی الله است.

-بنابراین می توان گفت در راستای تحقق نتیجه جریان تربیت در جامعه اسلامی، هدف کلی این جریان عبارت است از: «آمادگی متربیان برای تحقق آگاهانه و اختیاری مراتب حیات طیبیه در همه ابعاد» اما این آگاهی نیز در صورتی محقق خواهد شد که همه مولفه ها و ابعاد هویتی متربیان به شکلی یک پارچه در راستای شکل گیری جامعه صالح و پیشرفت مداوم آن بر اساس نظام معیار اسلامی تکوین و به طور پیوسته تعالی یابد.

انواع تربیت

۱-انواع تربیت با توجه به حیثیت ها و شئون حیات آدمی

- ۱-۱) تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی؛ ناظر به آماده سازی فردی و جمعی متربیان در مسیر تحقق شان اعتقادی، عبادی و اخلاقی حیات طیبه
- ۱-۲) تربیت زیستی و بدنی؛ ناظر به آماده سازی فردی و جمعی متربیان در مسیر تحقق شان زیستی و بدنی حیات طیبه
- ۱-۳) تربیت اجتماعی و سیاسی؛ ناظر به آماده سازی فردی و جمعی متربیان در مسیر تحقق شان اجتماعی و سیاسی حیات طیبه
- ۱-۴) تربیت اقتصادی و حرفه ای؛ ناظر به آماده سازی فردی و جمعی متربیان در مسیر تحقق شان اقتصادی و حرفه ای حیات طیبه
- ۱-۵) تربیت علمی و فناورانه؛ ناظر به آماده سازی فردی و جمعی متربیان در مسیر تحقق شان علمی و فناورانه حیات طیبه
- ۱-۶) تربیت هنری و زیبایی شناختی؛ ناظر به آماده سازی فردی و جمعی متربیان در مسیر تحقق شان زیبایی شناختی و هنری حیات طیبه

۲-انواع تربیت با توجه به مراحل رشد

براساس شباهت ها و تفاوت های موجود در تحولات ساختار جسمانی و روانی-اجتماعی انسان، می توان تربیت را به انواع گوناگونی تربیت را به انواع گوناگونی بر حسب مراحل رشد (دوره جنینی، نوزادی، کودکی اول، کودکی دوم، اوائل نوجوانی، نوجوانی، جوانی، میان سالی، بزرگ سالی و کهن سالی) تقسیم نمود.

۳-انواع تربیت با توجه به میزان و نحوه شمول

- ۳-۱) تربیت عمومی: بخشی از فرایند تربیت و معطوف به ایجاد مرتبه ای از آمادگی برای تحقق حیات طیبه برای متربیان است که تحصیل آن مرتبه از آمادگی برای عموم افراد جامعه لازم (ضروری) یا شایسته (سزاوار) باشد.
- ۳-۲) تربیت تخصصی: بخشی دیگر از فرایند تربیت و ناظر به ایجاد مرتبه ای از آمادگی به منظور تحقق مراتب حیات طیبه برای متربیان است که وصول به آن مرتبه از آمادگی، تنها برای بخش خاصی از افراد جامعه لازم یا شایسته باشد.

۴-انواع تربیت با توجه به نحوه حضور متربیان

- ۴-۱) تربیت الزامی: بخشی از فرایند تربیت است که متربیان باید بر حسب ضوابط قانونی در آن حضور یابند.
- ۴-۲) تربیت اختیاری: بخشی از فرایند تربیت است که شرکت متربیان در آن داوطلبانه است.

۵-انواع تربیت با توجه به نوع سازمان دهی و اعتبار قانونی

- ۵-۱) تربیت رسمی: بخشی از فرایند تربیت است که به شکل قانونی، سازماندهی شده (دارای مخاطبان مشخص و اهداف، ساختار و برنامه معین)-ضمن حفظ انعطاف پذیری (بر حسب خصوصیات متربیان)- در جهت آماده سازی متربیان برای تحقق مراتب حیات طیبه در ابعاد مختلف، متناسب با نیاز های متنوع جامعه، طراحی و اجرا شده و پس از کسب شایستگی های لازم (جهت درک موفقیت خود و دیگران و اصلاح مداوم آن بر اساس نظام معیار اسلامی) به اعطای مدرک معتبر (گواهی نامه ناظر له موفقیت متربیان در کسب این گونه شایستگی ها) می انجامد.
- ۵-۲) تربیت غیر رسمی: شکلی از فرایند تربیت است که در آن انواع شایستگی های لازم جهت درک موفقیت خود و دیگران و اصلاح مداوم آن بر اساس نظام معیار اسلامی، در جهت آماده سازی متربیان برای تحقق مراتب حیات طیبه در ابعاد گوناگون، بدون سازمان دهی مشخص و از طریق تجارب روزمره و اختیاری متربیان (مانند حضور در جمع خانواده، مطالعه کتاب و روزنامه، تماشای فیلم و تلویزیون، مشارکت در فعالیت گروه ها و انجمن ها، شرکت در مساجد و محافل مذهبی) کسب می شود.

عوامل موثر در تربیت

- (۱) عوامل سهیم: انجام فعالیت های تربیتی (یعنی زمینه سازی مناسب برای هدایت افراد به سوی تکوین و تعالی پیوسته هویت خویش) در فهرست کارکرد های این دسته عوامل اجتماعی صریحاً در نظر گرفته شده است. لذا، آن ها عوامل اصلی فرایند تربیت در اجتماع محسوب می شوند. هر چند این عوامل در نوع تربیت مورد نظر (عمومی، اختصاصی، رسمی و غیر رسمی) و در نتیجه در خصوص مخاطبان، در اهداف و وظایف، رویکرد و محتوای و روش های تاثیر گذاری بر متریبان تفاوت های قابل ملاحظه ای با هم دیگر دارند. در بین این عوامل، برخی از آن ها، تربیت را تنها کارکرد اصلی و رسالت سازمانی خود قرار داده اند (موسساتی مانند: مدرسه، دانشگاه و حوزه علمیه که غرض اصلی اجتماع از تاسیس و تداوم فعالیت آن ها، انجام فعالیت تربیتی در سطوح متفاوت است؛ ولو آن که پیامد های فرعی دیگر نیز بر عمل آن ها مترتب شود)؛ اما بعضی دیگر از عوامل تربیت، نهاد هایی اجتماعی با کارکرد های متعددند (نظیر خانواده، رسانه، مسجد و دیگر نهاد های فرهنگی) که با توجه به امکانات و ظرفیت های خود، می توانند و بلکه باید، نقش موثری را نیز در فرایند تربیت بر عهده گیرند. بنابراین، اطلاق عنوان «عامل فرایند تربیت» به این گروه از نهاد های اجتماعی، منوط و محدود به حیثیت نقش آفرینی عملی آن ها در این فرایند است و لذا می توان و بلکه باید آن ها را از حیثیتی دیگر نیز جزء عوامل موثر بر تربیت دانست.
- (۲) عوامل موثر: به هر حال عوامل اجتماعی موثر بر فرایند تربیت، طیف وسیعی از نهاد ها، سازمان ها، بنگاه ها و گروه های رسمی یا غیر رسمی فعال در جامعه را در بر می گیرند که اهم آن ها عبارت اند از:
- نهاد سیاست (حکومت و نظام سیاسی)، شامل: رهبری، دولت (قوه مجریه)، قوه مقننه، قوه قضائیه و همه سازمان ها و نهاد های تابع آن (شامل قوای نظامی و انتظامی)
 - نهاد دین (مراجع و مراکز علوم دینی، روحانیون و مبلغان مذهبی، مساجد و دیگر موسسات و تشکل های دینی و مذهبی)
 - نهاد فرهنگ (که به سبب گسترش مفهوم فرهنگ چندین نهاد مهم به آن اختصاص یافته است. نهاد تولید علم، پژوهش و فناوری (دانشگاه ها و موسسات علمی پژوهشی، فرهنگستان ها و پارک های علم و فناوری)، نهاد هنر (مراکز هنری، موزه ها و فرهنگسرا ها) و نهاد رسانه، شامل رسانه های مکتوب (کتب و نشریات)، رسانه دیداری شنیداری (رادیو و تلویزیون) و رسانه های مجازی (فناوری های نوین اطلاعات و ارتباطات)
 - نهاد خانواده، شامل پدر و مادر و دیگر اعضای خانواده، بستگان
 - نهاد جامعه محلی، شامل دوستان، همسایگان و هم سالان
 - نهاد مدنی (که به شکل غیر دولتی - ولو با نوعی حمایت از سوی دولت - سامان یافته اند و اداره می شوند)، شامل شورا ها، احزاب، انجمن ها، اتحادیه ها و دیگر سازمان ها و تشکل های صنفی، علمی، مذهبی، سیاسی و فرهنگی
 - نهاد اقتصاد، شامل بخش های کشاورزی، صنعت، تجارت و خدمات
 - نهاد تامین خدمات عمومی و رفاه اجتماعی، شامل شهرداری ها و دهرداری ها، سازمان بهزیستی و نهاد های حامی افراد محروم، موسسات بیمه و نهاد های خیریه و عام المنفعه
 - نهاد سلامت و تندرستی، شامل بخش های بهداشت و درمان، ورزش و تفریحات سالم، حفظ محیط زیست و ایمنی
- در این صورت، عوامل موثر بر تربیت، با مشارکت و تعامل سازنده با یکدیگر و دادن سمت و سوی تربیتی به فعالیت های خود، به پشتیبانی و حمایت همه جانبه از عوامل سهیم در تربیت خواهند آمد و با تلاش جهت رفع موانع و محدودیت های موجود در مسیر توفیق فرایند تربیت، به طور غیر مستقیم باعث موفقیت خود و سایر نهاد های اجتماعی برای تمهید دیگر مقدمات تحقق حیات طیبه خواهند شد. به این ترتیب، مصالح تربیتی به طور طبیعی (بدوم نیاز به صدور بخشنامه و نظارت قانونی) در سیاست گذاری ها و کمک به فرایند تربیت، یکی از مهم ترین معیار ها برای تعیین اولویت های فعالیت همه عوامل اجتماعی موثر بر تربیت محسوب خواهد شد.

مقتضیات و موانع تربیت

(۱) مقتضیات تربیت: منظور از مقتضیات تربیت هر گونه اقدام و تدبیر هدفمندی است که مربیان در فرایند تربیت برای تحقق اهداف این فرایند نسبت به متربیان طراحی و اجرا می کنند که اهم آن ها عبارت اند از:

- تمهید (فراهم کردن امکانات مقدماتی و شرایط محیطی مناسب)
- تادیب
- تعلیم
- تزکیه (تطهیر)
- تبیین
- تذکر و موعظه
- انذار و تبشیر
- پرسش و پاسخ
- امر به معروف و نهی از منکر
- تشویق و تنبیه
- ابتلا و آزمایش

(۲) موانع تربیت: عنوان موانع تربیت به امور و پدیده هایی اطلاق می شوند که در تحقق اهداف فرایند تربیت تاثیر منفی دارند. البته این موانع ممکن است بیرونی یا درونی، در اختیار مربیان و یا خارج از اختیار ایشان باشند و برخی از مهم ترین آن ها را می توان چنین بر شمرد:

- دنیا طلبی و هوای نفس
- حاکمیت رذایل اخلاقی نظیر لجاجت، تعصب، تکبر، غرور و خود رایی
- فقر اقتصادی و کمبود وسایل ضروری معاش
- احساس بی نیازی و خود کفایی
- حکومت طاغوت (رهبران غیر الهی) و مشرکان و ظالمان بر جامعه
- غلبه وسوسه شیطان و فکر و خیال باطل بر فضای ذهن و اندیشه
- وجود شبهات فکری و عقیدتی
- غفلت از یاد خدا
- استفاده از غذا و اموال حرام
- دسترسی (مطلق و بی حد و حصر) به وسایل ترویج فساد و فحشا
- حضور (انفعالی) در محیط آلوده

ارکان فرایند تربیت

مقصود از رکن تربیت، هر عامل اجتماعی سهیم و موثر در فرایند تربیت است که تحقق شایسته این فرایند، تنها پشتیبانی و مشارکت فعال آن عامل امکان پذیر باشد.

- (۱) خانواده
- (۲) حکومت
- (۳) رسانه
- (۴) نهاد ها و سازمان های غیر دولتی

اصول تربیت

اصول تربیت قواعدی تجویزی و کلی اند، که جهت بیان چگونگی تحقق غایت تربیت (به مثابه معیار و راهنمای عمل عوامل سهیم و تاثیر گذار) در جریان تربیت قرار می گیرند تا هر یک وظایف تربیتی خود را به نحو مطلوب انجام دهند.

- (۱) انطباق با نظام معیار اسلامی
- (۲) اولویت تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی
- (۳) ارتباط با خداوند و تکیه بر تدابیر ربوبی او
- (۴) تدریج و تعالی مرتبتی
- (۵) عقل ورزی
- (۶) اعتدال
- (۷) سندیت و مرجعیت مربیان
- (۸) حفظ و ارتقای آزادی متربیان
- (۹) حفظ و ارتقای کرامت
- (۱۰) عدالت تربیتی
- (۱۱) یک پارچگی و انسجام
- (۱۲) پویایی و انعطاف پذیری (ضمن حفظ اصول)
- (۱۳) تعامل همه جانبه
- (۱۴) مشارکت و هماهنگی
- (۱۵) پاسخ گویی و نظارت
- (۱۶) تقدم مصالح تربیتی
- (۱۷) توجه به فرهنگ و تمدن اسلامی و ایرانی
- (۱۸) آینده نگری

نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی

نهادی است اجتماعی و فرهنگی و سازمان یافته که به عنوان مهم ترین عامل انتقال، بسط و اعتلای فرهنگ در جامعه اسلامی ایران، مسئولیت آماده سازی دانش آموزان جهت تحقق مرتبه ای از حیات طیبه در همه ابعاد را بر عهده دارد که تحصیل آت مرتبه برای عموم افراد جامعه لازم یا شایسته باشد. دستیابی به این مرتبه از آمادگی برای تکوین و تعالی پیوسته هویت دانش آموزان (با تاکید بر وجوه مشترک انسانی، اسلامی و ایرانی) ضمن ملاحظه ویژگی های فردی و غیر مشترک و نیز در راستای شکل گیری و اعتلای مداوم جامعه صالح اسلامی مستلزم آن است که تربیت یافتگان این نظام شایستگی های لازم را بر اساس نظام معیار اسلامی کسب نمایند.

ساحت های تعلیم و تربیت

ساحت های مندرج در فلسفه تعلیم و تربیت در جمهوری اسلامی ایران (تعلیم و تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی، تعلیم و تربیت زیبا شناختی و هنری، تعلیم و تربیت اقتصادی و حرفه ای، تعلیم و تربیت علمی و فناورانه) می باشد.

نظام معیار اسلامی

مبانی و ارزش های مبتنی بر دین اسلام ناب محمدی یا سازگار با آن، مشتمل بر سلسله مراتبی از ارزش هاست که ناظر به همه ابعاد زندگی انسان است، زیرا دین اسلام به همه عرصه های امور اجتماعی و فردی، دنیوی و اخروی، مادی و معنوی زندگی بشر پرداخته است (نفی سکولاریسم) هر چند نسبت به پاره ای از این عرصه ها، به عرصه ی کلیات اکتفا و نسبت به بخشی دیگر، جزئیات را نیز ذکر کرده است.

شایستگی های پایه

مجموعه ای ترکیبی از صفات و توانمندی های فردی و جمعی ناظر به همه جنبه های هویت (عقلانی، عاطفی، ارادی و عملی) و نیز تمام مولفه های جامعه بر اساس نظام معیار اسلامی است، که متریان برای دست یابی به مراتب حیات طیبیه جهت درک موفقیت خود و دیگران و عمل فردی و جمعی برای بهبود مستمر آن، باید اینگونه صفات و توانمندی ها را «کسب» کنند.

حیات طیبیه

وضع مطلوب زندگی بشر در همه ابعاد و مراتب، بر اساس نظام معیار اسلامی (مبانی و ارزش های مقبول دیت الهی) است که تحقق آن باعث دستیابی به غایت زندگی یعنی قرب الی الله خواهد شد. این گونه زندگانی مستلزم ارتباط آگاهانه و اختیاری با حقیقت هستی و تشدید رابطه ی با او در همه شئون فردی و اجتماعی زندگی است که باید بر اساس انتخاب و التزام آگاهانه و آزادانه ی نظام معیار مناسب با دین اسلام باشد. بنابراین، یکی از مشخصات اصلی حیات طیبیه، تکیه بر ارزش غایی زندگی - قرب الی الله - و نظام معیار متناسب با آن یعنی مبانی و ارزش های مقبول دین اسلام است. زیرا با توجه به لزوم پذیرش ربوبیت خداوند متعال، به عنوان یگانه رب حقیقی جهان انسان، این نظام معیار، جهت اساسی نحوه تحقق حیات طیبیه را در همه مراتب و ابعاد زندگی با این نظام (تقوا)، وجه تمایز اساسی حیات طیبیه از زندگی غیر دینی (=سکولار) رایج محسوب میشود. که نقطه اوج و حقیقت آن در جامعه جهانی مهدوی محقق می گردد. گزاره های ارزشی نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی عبارتند از:

- ۱) آموزه های قرآن کریم، نقش معنوی، اسوه ای، هدایتی و تربیتی پیامبر اکرم(ص) و حضرت فاطمه زهرا(سلام الله علیها) و ائمه معصومین(علیهم السلام) به ویژه امام زمان (عج) و ولایت مداری در تمام ساحت ها برای تحقق جامعه عدل جهانی (جامعه مهدوی).
- ۲) آموزه های بنیادین مهدویت و انتظار که رمز هویت اسلام ناب و عامل حیات و بقای آن در عصر غیبت است. به عنوان مهم ترین رسالت منتظران در عصر غیبت می باشد.
- ۳) میراث نظری و عملی حضرت امام خمینی(ره)، تعمیق علاقه و پیوند با انقلاب اسلامی، قانون اساسی و ولایت فقیه.
- ۴) فرایند تعلیم و تربیت در تمام ساحت های تعلیم و تربیت شامل تعلیم و تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی، تعلیم و تربیت اجتماعی و سیاسی، تعلیم و تربیت زیستی و بدنی، تعلیم و تربیت زیبا شناختی و هنری، تعلیم و تربیت اقتصادی و حرفه ای، تعلیم و تربیت علمی و فناورانه منطبق بر نظام معیار اسلامی مبانی و ارزش های بر گرفته از قرآن کریم، سنت حضرات معصومین (علیهم السلام) و عقل که تعلیم و تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی در آن محوریت دارد.
- ۵) زمینه سازی کسب شایستگی های پایه -با تاکید بر خصوصیات مشترک اسلامی- ایرانی و انقلابی، در راستای تکوین و تعالی پیوسته هویت دانش آموزان در ابعاد فردی، خانوادگی و اجتماعی.
- ۶) هویت شناخت مدار و واقع نمایی و معنای گسترده، جامع و منسجم معرفت (وحیانی، عقلانی، نقلی و تجربی).

- (۷) نقش معلم (مربی) به عنوان هدایت کننده و اسوه ای امین و بصیر در فرآیند تعلیم و تربیت و موثر ترین عنصر در تحقق متمرکزیت های نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی.
- (۸) بصیرت و تعالی در زمینه های گوناگون عبادی-اخلاقی، اعتقادی، سیاسی اجتماعی فرهنگی.
- (۹) کرامت ذاتی و اکتسابی انسان و کسب فضایل اخلاقی از جمله: ایمان، تقوا، تولی و تبری، عمل صالح، خود باوری، روحیه مجاهدت، ظلم ستیزی، علم، حکمت، عفت، شجاعت، عدالت، صداقت، ایثار و فداکاری.
- (۱۰) سلامت جسمانی، نشاط و تقویت اراده.
- (۱۱) تکوین و تعالی جنبه های انسانی هویت دانش آموزان برای تقویت روابط حق محور، عدالت گستر و مهرورزانه با همه انسان ه در سراسر جهان.
- (۱۲) منزلت علم نافع، هدایت گر و توانمند ساز و مقام و جایگاه عالم و معلم
- (۱۳) پرورش، ارتقاء و تعمیق انواع و مراتب عقلانیت در همه ساحت های تعلیم و تربیت
- (۱۴) ارتقای جایگاه و نقش تربیتی خانواده و مشارکت اثر بخش آن با نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی
- (۱۵) نقش تربیتی اماکن مذهبی، نهاد های مردمی، اجتماعی و رسانه ها
- (۱۶) عدالت تربیتی در ابعاد کمی، همگانی و الزام و عدالت کیفی با رعایت تفاوت های فردی، جنسیتی، فرهنگی و جغرافیایی
- (۱۷) جایگاه و نقش تعلیم و تربیتی نهاد رسانه و فناوری های ارتباطی و بهره گیری هوشمندانه از آن و مواجهه فعال و آگاهانه جهت پیشگیری و کنترل آثار و پیامد های نا مطلوب آن
- (۱۸) توجه توازن به متافع و مصالح فردی و اجتماعی در چارچوب منافع و مصالح ملی.
- (۱۹) صیانت از وحدت ملی و انسجام اجتماعی با محوریت هویت مشترک اسلامی- ایرانی
- (۲۰) وطن دوستی و افتخار به ارزش های اصیل و ماندگار اسلامی- ایرانی و اهتمام به برپایی جامعه مهدوی
- (۲۱) تقویت گرایش به زبان و ادبیات فارسی به عنوان زبان مشترک
- (۲۲) استمرار فرهنگ اسلامب- ایرانی از طریق ارزیابی آگاهانه آن و تعامل نقادانه با سایر فرهنگ ها بر اساس نظام معیار اسلامی
- (۲۳) مسئولیت پذیری همه جانبه، مشارکت اجتماعی و داشتن روحیه جمعی و مهارت مورد نیاز جامعه
- (۲۴) روحیه کار آفرینی، کسب شایستگی های عام حرفه ای و مهارتی و هنری زمینه ساز کار مولد.
- (۲۵) ارج نهادن له دستاورد های علمی و تجربه های بشری در چارچوب نظام معیار اسلامی و بستر سازی برای دستیابی به مرجعیت علمی جهان
- (۲۶) نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی به عنوان عامل اثر گذاری اجتماعی و مولد نیروی انسانی و سرمایه فرهنگی و معنوی برای رشد و تعالی همه جانبه و پایدار و اعتلای فرهنگ عمومی مبتنی بر نظام معیار اسلامی
- (۲۷) مدرسه به عنوان کانون تعلیم و تربیت رسمی عمومی و محل کسب تجربه های تربیتی
- (۲۸) تقویت شان حاکمیتی نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی در ابعاد سیاست گذاری، برنامه ریزی، پشتیبانی و نظارت و ارزیابی ضمن مشارکت پذیری و کاهش تصدی گری غیر ضروری در بعد اجرا با رعایت اصل عدالت
- (۲۹) آینده پژوهی و پایش تحولات موثر بر تعلیم و تربیت رسمی عمومی به منظور ایفای نقش فعال در مواجهه با چالش های پیش رو در عرصه های مختلف
- (۳۰) جامعیت یکپارچگی و توجه متوازن به ساحت های تعلیم و تربیت

هدف های کلان

- (۱) تربیت انسانی موحد، مومن و معتقد به معاد و آشنا و متعهد به مسئولیت ها و وظایف در برابر خدا، خود، دیگران و طبیعت، حقیقت جو و عاقل، عدالت خواه و صلح جو، ظلم ستیز، جهادگر، شجاع و ایثار گر و وطن دوست، مهرورز، جمع گرا و جهانب اندیش، ولایت مدار و منتظر و تلاشگر در جهت تحقق حکومت عدل جهانی، با اراده و امیدوار، خودباور و دارای عزت نفس، امانتدار، دانا و توانا، پاکدامن و با حیا، انتخالگر و آزاد منش، متخلق به اخلاق اسلامی خلاق و کار آفرین و مقتصد و ماهر، سالم و با نشاط، قانون ندار و نظم پذیر و آماده ورود به زندگی شایسته فردی، خانوادگی و اجتماعی بر اساس نظام معیار اسلامی
 - (۲) ارتقای نقش نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی و خانواده در رشد و تعالی کشور، بسط و اعتلای فرهنگ عمومی و زمینه سازی برای اقتدار و مرجعیت علمب و تکوین تمدن اسلامی - ایرانی در راستای احقاق جامعۀ عدل مهدوی با تاکید بر تعمیق معرفت و بصیرت دینی و سیاسی، التزام به ارزش های اخلاقی، وفاداری به نظام جمهوری اسلامی ایران، اعتقاد و التزام عملی به اصل ولایت مطلقه فقیه و مردم سالاری دینی، تحکیم وحدت ملی، تقویت روحیه علمی، رعایت حقوق و مسئولیت های اجتماعی، ارتقای آداب و آئیین زندگی متعالی، بهداشتی و زیست محیطی
 - (۳) گسترش و تامین همه جانبه عدالت آموزشی و تربیتی
 - (۴) برقراری نظام اثر بخش و کار آمد مدیریت و مدیریت منابع انسانی بر اساس نظام معیار اسلامی
 - (۵) افزایش مشارکت و اثر بخشی همگانی به ویژه خانواده در تعالی نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی
 - (۶) بهسازی و تحول در نظام برنامه ریزی آموزشی و درسی، مالی و اداری و زیر ساخت های کالبدی
 - (۷) ارتقای اثر بخشی و افزایش کارایی در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی
 - (۸) کسب موقعیت نخست تربیتی در منطقه و جهان اسلام و ارتقای فرایند جایگاه تعلیم و تربیتی ایران در سطح جهانی.
- ویژگی انسان در طراز:**
- (۱) دین اسلام را حق دانسته و آن را به عنوان نظام معیار می شناسند و به آن باور دارند و آگاهانه، آزادانه، شجاعانه و فداکارانه برای تکوین و تعالی اخلاقی خود و دستیابی به مرتبه ای از حیات طیبۀ و استقرار حکومت عدل جهانی مهدوی از آن تبعیت می نمایند و به رعایت احکام و مناسک دین و موازین اخلاقی مقید هستند.
 - (۲) از دانش های پایه و عمومی سازگار با نظام معیار اسلامی، همچنین از توان تفکر، درک و کشف پدیده ها و رویداد ها به عنوان آیات الهی و تجلی فاعلیت خداوند در خلقت و نیز دانش، بینش و مهارت ها و روحیه مواجهه علمی و خلاق با مسائل فردی و خانوادگی و اجتماعی برخوردارند.
 - (۳) با درک مفاهیم اجتماعی و سیاسی و «احترام به قانون» و اندیشه ورزی در آن ها، شایستگی رویارویی مسئولانه و خردمندانه با تحولات اجتماعی و سیاسی را کسب می کند و با رعایت وحدت و تفاهم ملی، در دفاع از عزت و اقتدار ملی می کوشند و با روحیه مسئولیت پذیری و تعالی خواهی و برخوردار از مهارت های ارتباطی، در حیات خانوادگی و اجتماعی (در سطوح محلی تا جهانی) با رعایت اصول برگرفته از نظام معیار اسلامی، مشارکت موثر دارد.
 - (۴) با درک مفاهیم اقتصادی در چار چوب نظام معیار اسلامی از طریق کار و تلاش و روحیه انقلابی و جهادی، کار آفرینی، قناعت و انضباط مالی، مصرف بهینه و دوری از اسراف و تبذیر و با رعایت وجدان، عدالت و انصاف در روابط با دیگران در فعالیت های اقتصادی در مقیاس خانوادگی، ملی و جهانی مشارکت می نمایند.
 - (۵) دارای حداقل یک مهارت مفید برای تامین معاش حلال باشد بگونه ای که در صورت جدایی از نظام تعلیم و تربیت رسمی در هر مرحله، توانایی تامین زندگی خود و اداره خانواده را داشته باشد.
 - (۶) با درک مفاهیم بهداشت فردی و اجتماعی و مسائل زیست بوم طبیعی و شهری به منزله امانات الهی، شایستگی حفظ و ارتقای سلامت فردی و گروهی، به نیاز های جسمی و روانی خود و جامعه بر اساس اصول برگرفته از نظامی معیار اسلامی، پاسخ می دهند.

۷) با قدرشناسی و درک زیبا شناسانه آفرینش الهی و مصنوعات هنرمندانه بشری، درک مفاهیم فرهنگی و میان فرهنگی و بهره گیری از قدرت تخیل، توانمندی های لازم در خلق آثار فرهنگی و هنری را به دست می آورد و برای حفظ و تعالی میراث فرهنگی، تمدنی و هنری در سطح ملی و جهانی بر اساس نظام معیار اسلامی می کوشند. (هدف های کلان ۱، ۴، ۵، ۲، ۸)

مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران

۱- مبانی هستی شناختی: مقصود از مبانی هستی شناختی تربیت در این مجموعه، بخشی از گزاره های توصیفی تبیینی درباره خداوند و دیگر عناصر هست (حقیقت وجود و برخی احکام کلی مربوط به واقعیت جهان) است که در مباحث جهان بینی اسلامی یا در حوزه دانش فلسفه اسلامی، به طور مدلل و مبرهن مطرح شده و یا مفروض قرار گرفته است. با توجه به این تعریف، مهم ترین این مبانی به این شرح اند:

- ۱-۱- جهان هستی واقعیت دارد؛ ولی هستی به طبیعت منحصر نیست.
- ۱-۲- خداوند مبدا و منشا جهان و یگانه مالک، مدبر و رب حقیقی همه موجودات عالم است.
- ۱-۳- ویژگی ذاتی جهان موجودات (عالم امکان)، فقر و نیاز محض به واجب الوجود است. این فقر ذاتی سبب می شود موجودات نه تنها در پیدایش، بلکه در بقا نیز به ذات غنی واجب الوجود به طور ابدی محتاج بمانند.
- ۱-۴- در جهان هستی در عین وحدت، کثرت وجود دارد اما کثرتی غیر اصیل که در نهایت به وحدت باز می گردد.
- ۱-۵- آفرینش جهان هستی، غلیتمند و خداوند غایت همه موجودات است.
- ۱-۶- خداوند خیر بنیادین هستی است و همه موجودات عالم را به سوی کمال شایسته آن ها هدایت می کند. لذا تمام موجودات جهان هستی از هدایت الهی برخوردارند.
- ۱-۷- جهلن آفرینش از نظام احسن برخوردار و اراده و سنن الهی بر جهان هستی حاکم است.
- ۱-۸- نظام علت و معلول و سبب و مسبب بر جهان هستی حاکم است.
- ۱-۹- جهان آفرینش دارای نظامی یک پارچه است سراسر آن آیت و نشانه علم و قدرت و حکمت و مهر نامتناهی خداوند است.
- ۱-۱۰- عالم ماده و همه موجودات وابسته به آن وجود تدریجی و در زمان دارند و همه در حال شدن و دگرگونی و حرکت مداوم اند.

- ۱-۱۱- جهان طبیعت و همه واقعیت های آن، اموری در حال تراحم، محدود، پایان پذیری و فنا شدنی هستند.
- ۲- مبانی انسان شناختی: مراد از مبانی انسان شناختی، در ذیل مبانی اساسی تربیت، آن دسته از گزاره های توصیفی تبیینی مدلل درباره واقعیت وجود انسان است، که از تعالیم اسلامی یا معارف اصیل اسلامی در مقام توصیف خصوصیات عموم افراد نوع بشر یا از مباحث مربوط به تعریف انسان در فلسفه اسلامی (علم النفس فلسفی) استخراج شده اند و باید آن ها را به احاطه نقش محوری تبیین و ترسیم سیمای کلی انسان در هر نظریه فلسفی تربیت، سنگ بنای اصلی هر گونه توصیف و تبیینی از فلسفه تربیت با رویکرد اسلامی دانست.

براین اساس می توانیم اهم این مبانی را به این شرح بر شماریم:

- ۲-۱- انسان موجودی است مرکب از جسم و روح: دو حیثیت در هم تنیده و مرتبط.
- ۲-۲- حقیقت انسان، روح اوست و کمال و جاودانگی آدمی به کمال و بقای روح مربوط می شود.
- ۲-۳- انسان فطرتی الهی دارد که قابل فعلیت یافتن و شکوعلایی یا فراموش شدن است.
- ۲-۴- انسان بر حسب فطرت و آفرینش، جویای همه مراتب کمال (تا حد بی نهایت) است.
- ۲-۵- آفرینش انسان، هدفمند و در هماهنگی کامل با غایت هستی است.
- ۲-۶- سنت های الهی بر زندگی انسان حاکم است.

۷-۲- انسان هم کرامت ذاتی دارد و هم می تواند کرامتی اکتسابی به دست آورد و لذا این قابلیت را دارد که خلیفه در روی زمین باشد.

۸-۲- همه انسان ها، بر حسب آفرینش برابرند و از حقوق و تکالیف عادلانه برخوردارند.

۹-۲- خداوند توانایی ویژه ای به نام عقل و خرد به انسان ارزانی داشته است.

۱۰-۲- انسان موجودی آزاد و صاحب اختیار است که این آزادی و اختیار را خدا به او داده است.

۱۱-۲- انسان موجودی است دارای استعداد های طبیعی متنوع و عواطف و تمایلات گوناگون که می تواند در هر جهت (مثبت و منفی) فعلیت یابد و تاثیر گذار باشند.

۱۲-۲- انسان ها، ضمن داشتن طبیعت و فطرت مشترک، دارای خصوصیات متفاوت اند.

۱۳-۲- وجود انسان همواره در حال شدن، حرکت و دگرگونی است.

۱۴-۲- انسان همواره در «موقعیت» است و می تواند آن را درک کند و تغییر دهد.

۱۵-۲- انسان در عین برخورداری از استعداد های فراوان، دارای انواع محدودیت ها و مواجهه با بسیاری از تهدید های بیرونی و درونی است.

۱۶-۲- انسان موجودی اجتماعی است. لذا هم وجود آدمی تا حدی قابل توجه از شرایط اجتماع تاثیر می پذیرد و هم می تواند با توسعه وجودی خویش، با دیگران ارتباط برقرار کند و اجتماع را تحت تاثیر خود قرار دهد.

۱۷-۲- آدمی در تکوین و تحول هویت نا تمام و پویای خود، نقش اساسی دارد. معرفت، باور، میل، اراده، عمل (فردی و جمعی) مداوم و در نتیجه کسب صفات و توانمندی ها و مهارت ها، عناصر اصلی تکوین و تحول هویت انسان اند.

۱۸-۲- هویت دو وجه فردی و جمعی دارد و در انواع و جنبه های مختلف قابل تحقق است.

۱۹-۲- انسان موجودی مکلف است و نسبت به انجام تکالیف خود، نخست در برابر خداوند و سپس در برابر خویش و دیگران مسئولیت دارد.

۲۰-۲- آدمی برای نقش آفرینی در روند تکوین و تحول هویت خویش به دلیل وجود تهدید های بیرونی و درونی، نیازمند استعانت از خدای متعال و بهره مندی از راهنمایی و مساعدت انسان های رشد یافته است.

۲۱-۲- خداوند، که مربی حقیقی آدمیان است. همواره مصادقی از انسان کامل را، به مثابه والا ترین اسوه های آدمی در مسیر هدایت آنان قرار داده و می دهد تا روند تکوین و تعالی هویت شان، با معرفت به این مصادیق و تولا و تاسی به ایشان، به وجه مطلوب، صورت پذیرد.

۲۲-۲- برای انسان بعد از این دنیا، حیاتی بی پایان و ابدی شروع می شود که سراسر زندگی ولقی است. اما سرنوشت هر کس در این زندگی جاودانه و حقیقی، با معرفت، انتخاب و عمل اختیاری خود او و در نتیجه با تکوین و تحول هویت وی در همین دنیا رقم می خورد.

۳- مبانی معرفت شناختی: منظور از مبانی معرفت شناختی در این مجموعه بخشی از گزاره های توصیفی و تبیینی درباره شناخت آدمی و حدود و ثغور آن است، که بنا بر سنت متعارف در مباحث فلسفی معاصر و با توجه به اهمیت بسیار عرصه معرفت شناسی در تبیین فلسفه تربیت، مبانی مربوط به این عرصه از مبانی عام انسان شناختی متمایز گشته است (هر چند در متون رایج فلسفه اسلامی با وجود پرداختن به بسیاری از مباحث این عرصه مهم، چنین تمایزی وجود ندارد). اهم این دسته از مبانی اساسی تربیت، به این شرح قابل تبیین هستند:

۱-۳- انسان نسبت به شناخت هستی و درک موقعیت خود دیگران در هستی توانایی دارد.

۲-۳- علم انسان دارای اقسام حقیقی و اعتباری است و مراتب و سطوح مختلف دارد.

۳-۳- معیار اعتبار علم، مطابقت با مراتب گوناگون واقعیت (نفس الامر) است.

۴-۳- علم در عین کشف از وقایع (از منظر معلوم)، محصول خلاقیت و ابداع نفسانی (از منظر عالم) است.

۵-۳- علم در عین ثبات (از منظر معلوم) دارای ویژگی پویایی (از منظر عالم) است.

- ۳-۶- آدمی منابع و ابزار شناخت متعددی در اختیار دارد که مکمل یکدیگرند و برای شناخت منسجم و جامع واقعیات و حقایق جهان باید از همه آن ها بهره گرفت و نمی توان از برخی به نفع دیگری دست برداشت.
- ۳-۷- انسان هم در مقام نظر و هم در عرصه عمل، از توانایی تعقل (عقل ورزی)، که در شناخت حقیقت هستی و کسب سعادت جاوید نقش اساسی دارد، برخوردار است.
- ۳-۸- شناخت آدمی با موانع و محدودیت هایی همراه است.
- ۴- مبانی ارزش شناختی: مقصود از مبانی ارزش شناختی در این مجموعه، «مباحثی درباره ماهیت ارزش ها و نحوه درک و اعتبار بخشی آن ها و نیز بخشی از گزاره های مربوط به بیان مصادیق ارزش های معتبر و چگونگی تحقق آن ها بر اساس نظام معیار مقبول در جامعه اسلامی (مبانی و ارزش های مبتنی بر دین حق با سازگاری با آن) است، که عموماً از حوزه فلسفه اخلاق و حکمت عملی با رویکرد اسلامی یا از منابع بیانگر نظام ارزشی و اعتقادی اسلام، به عنوان اصول موضوعه، اخذ شده اند». اهم این مبانی را می توان به این شرح بیان نمود:
- ۴-۱- اعتبار ارزش های حقیقی بر واقعیت های مربوط به عمل آدمی و نتایج آن تکیه دارد.
- ۴-۲- اعتبار ارزش ها هم از طریق «عقل و فطرت انسانی» و هم با مراجعه به «نظام معیار دینی» معلوم می گردد.
- ۴-۳- ارزش ها انواع و مراتب مختلف دارند و به شکل سلسله مراتبی با غایت اصیل زندگی آدمی - یعنی قرب الی الله - ارتباط دارند.
- ۴-۴- ارزشمند دانستن هر عمل، هم تابع حسن فعلی و هم وابسته به حسن فاعلی است.
- ۴-۵- حیات طیبه وضع مطلوب زندگی بشر بر اساس نظام معیار ربوبی است که با انتخاب و التزام آگاهانه و اختیاری این نظام معیار در همین زندگی دنیایی و در جهت تعالی آن از سوی خداوند به انسان اعطا می شود و تحقق آن باعث دست یابی به غایت اصیل زندگی انسان، یعنی قرب الی الله خواهد شد.
- ۴-۶- حیات طیبه، مفهومی یک پارچه و کلی است که همه ابعاد فردی و اجتماعی زندگی انسان را در بر می گیرد و شئون گوناگون دارد که در ارتباط و تعامل با همدیگر و با محوریت شان اعتقادی، عبادی و اخلاقی، آن را محقق می سازند.
- ۴-۷- حیات طیبه مفهومی ذو مراتبی است که برخی از مراتب نخستین آن مطلوب بالفعل همه انسان هاست و لذا باید تلاش برای تحقق حیات طیبه، از این مراتب آغاز گردد.
- ۴-۸- یکی از ویژگی های مهم حیات طیبه، توازن و اعتدال در ابعاد مختلف آن است.
- ۴-۹- تاسی به اولیای الهی و تولا و اطاعت از آن ها و دشمنی با دشمنان راه خدا و اولیای خداوند، تنها راه تحقق کامل حیات طیبه در مسیر قرب الی الله است.
- ۴-۱۰- آماده شدن افراد جامعه برای تحقق آگاهانه و اختیاری حیات طیبه، مهم ترین زمینه تحقق این نوع زندگی است.
- ۴-۱۱- آزادی حقیقی انسان، در رهایی از همه موانع درونی و بیرونی رشد و تعالی انسان - نظیر وابستگی به شهوات و تمایلات نفسانی، پذیرش انواع ستم اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی، تلغیت کورکورانه از هنجار ها و سنت های غلط و اطاعت از حاکمیت طاغوت - و حرکت به سوی عبودیت خداوند است.
- ۴-۱۲- عدالت اساسی ترین ارزش اخلاقی و اجتماعی در نظام معیار اسلامی است.
- ۴-۱۳- رافت و احسان و گذشت و بخشش، مهم ترین ارزش های متمم دالت هستند.
- ۴-۱۴- علم و عالم در جامعه و فرهنگ اسلامی نقشی بنیادی دارند؛ علم در راس فصیلت ها، ریشه همه خوبی ها، هم نشین جدایی ناپذیر ایمان، چراغ عقل و مایه ارزش گذاری آدمیان است و لذا طلب علم، فریضه ای واجب بر همگان و احترام به عالم، اصلی مسلم و تخلف نا پذیر محسوب می شود.
- ۴-۱۵- زیبایی و هنر از نمود های تعالی بخش حیات بشری و یکی از تمایلات فطری انسان است و ارزش زیبا شناختی هم ناظر به واقعیت های عینی است و هم وابسته به ادراک فرد.

۱۶-۴-طبیعت و پدیده های طبیعی را، افزون بر ارزش ابزاری در جهت تحقق غایت زندگی، باید با نگرش نمادین، به مثابه آیاتی از حکمت، لطف و اقتدار الهی ملاحظه نمود.

۵-مبانی دین شناختی: این دسته از مبانی صرفاً به مباحثی در باره دین (چیستی و چرایی دین، جایگاه دین در زندگی و نسبتی که انسان با آن دارد؛ نحوه فهم دین، قلمرو دین و ارتباط آن با سایر معارف و...) می پردازند که در حیطه دانش فلسفی مضاف «فلسفه دین» یا بعضاً در حوزه مباحث «کلام جدید» قرار می گیرند. بیان اینگونه مباحث در شمار مبانی اساسی فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران (بر خلاف رویه متعارف در بیان مبانی فلسفه تربیت) از این جهت ضرورت یافته است که دین، چنان که خواهد آمد، در تنظیم و هدایت تربیت براساس دیدگاه اسلامید، نقش محوری و بی بدیل دارد و لذا باید در فلسفه تربیتی جامعه اسلامی ایران، تلقی مقبول خود از دین حق و نحوه نقش آفرینی و حدود وظایف آن در زندگی آدمی را به وضوح مشخص کنیم.

اینک، اهم مواضع دین شناختی خود را براساس دیدگاه معتبر و مقبول در جامعه اسلامی ایران به این شرح تبیین می نماییم:

۱-۵-دین حقیقت واحدی است که از سوی خدا برای هدایت بشر به سوی خدا برای هدایت بشر به سوی سعادت حقیقی و جاوید فرستاده شده است و شرایع توحیدی مصادیق متکامل آن محسوب می شوند؛ خاستگاه و مقصد دین حق (=اسلام)، فطرت انسان و شکوفایی آن است.

۲-۵-دین اسلام، در راستای تحقق مراتب حیات طیبیه انسان در همه ابعاد فردی و اجتماعی، نظام معیار مورد نیاز برای هدایت آدمی به سوی سعادت جاوید را در همه شئون زندگی ارائه می کند.

۳-۵-دین برای تحقق حیات طیبیه در همه ابعاد، ما را علاوه بر استفاده از تجارب متراکم بشری، به خلاقیت و ابداع و فعلیت بخشیدن به همه ظرفیت های فکری خویش فرا می خواند.

۴-۵-حوزه رهنمود های نظام معیار دین حق (=اسلام)، همه انسان ها در هر مکان و آن جهانی است. لذا دین اسلام با دو ویژگی توانان ثبات و پویایی، پاسخ گویی نیاز های فرد و جامعه در زمینه هدایت انسان به سوی ساحت ربوبی است.

۵-۵-در دین اسلام، تفکیک دنیا از آخرت، فرد از اجتماع، جسم از روح امور مادی از ارزش های معنوی، معنا ندارد و لذا تحقق کامل رسالت دین اسلام، افزون بر رشد همه جانبه افراد بر بنیان ارزش های دینی، مستلزم پیشرفت متوازن و همه جانبه جامعه صالح بر همین اساس است.

۶-۵-شناخت دین اسلام، علاوه بر فهم و تفسیر روشمند قرآن کریم، نیازمند بهره مندی از سنت معتبر پیامبر(ص) معصومان (ع) و تکیه بر تبیین و تفسیر پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) از حقایق دینی است.

۷-۵-اجتهاد، سازکار فهم روشمند نظام معارف دینی و ارزش های مبتنی بر آن(هنجار ها و احکام عملی شریعت)، برای حرکت دین مدار انسان در چهارچوب اصول و ضوابط ثابت دین و متناسب با مقتضیات زمان و مکان است.

۸-۵-معارف دینی، مجموعه ای است نظام مند، جامع نگر، پایا و پویا، با تلقی منظومه ای از حیات انسان، که بر پایه ی احکام عقل نظری و عقل عملی ست(تحت عنوان حجت باطنی)؛ و با تکیه بر قرآن و سنت معتبر، از طریق جریان اجتهاد، هدایت کننده عقل مولودو عقل ابزاری بشر و پذیرای نتایج و دستاوردهای معتبر آن هاست.

۹-۵-دین اسلام، نوید بخش آینده ای روشن برای انسان-جامعه عدل جهانی-است که مستلزم تلاش جامعه صالح دینی جهت تاسیس تمدن اسلامی بر اساس نظام معیار اسلامی است.

۱۰-۵-تاسیس و تداوم حکومت بر اساس معیار های دینی، راهکار اصلی تحقق کامل نظام معیار اسلامی و مهم ترین زمینه اجتماعی و سیاسی لازم برای عینیت یافتن حیات طیبیه در همه ابعاد و مراتب است.

۱۱-۵-دینداری(تدین)، پویش خردورزانه و مداوم آدمی است برای وصول به مراتب حیات طیبیه در همه ابعاد بر مبنای ایمان آگاهانه و اختیاری به خداوند، زندگی اخروی و مضمون پیام هدایت رسولان الهی و با التزام عملی به نظام معیار دینی؛ لذا

محصول این حرکت عقلانی انسان برای پاسخ گویی مثبت به دعوت الهی، با داشتن مولفه های متعدد و مراتب گوناگون در ابعاد فردی و جمعی قابل تحقق است.

۱۲-۵- دین حق در هدایت حرکت آدمی به سوی تحقق حیات طیبیه، نه تنها هدف و مقصد، بلکه راه و روش وصول به مقصود را نشان می دهد: تحقق عینی و تام این هدف به لحاظ فردی در مصادیق انسان کامل -پیامبر(ص) و امامان معصوم(ع)- آشکار می گردد و وصول به این مقصد (تحقق حیات طیبیه) نیز برای همگان در قبول ولایت و تاسی و پیروزی فردی و جمعی از ایشان متجلی می شود.

اهداف کلی تربیت از نگاه اسلام

برای سیر به سوی غایت تربیت، باید به اهداف کلی دست یافت که رابطه شان با هدف غایی رابطه ای طولی باشد، و وصول به این اهداف، اتصال به آنغایت را ممکن و میسر سازد. این اهداف را می توان به شرح زیر بر شمرد: اصلاح رابطه انسان با:

۱- خدا ۲- خودش ۳- جامعه ۴- طبیعت ۵- تاریخ

۱- اصلاح رابطه با خدا

انسان مطلوب نظام دینی، کسی است که این اصلاحات در او تحقق یافته باشد و در پرتو این اصلاحات، آن شود که باید در میان این اهداف کلی، اصلاح رابطه انسان با خدای اساسی ترین هدف است، زیرا تا رابطه انسان با خدا اصلاح نشود، هیچ امری به درستی اصلاح نمی شود، و چون این رابطه اصلاح شود، اصلاح دیگر امور به درستی ممکن می شود. از امیرالمومنان علی (ع) روایت شده است که فرمود:

« من اصلاح ما بین الله اصلاح الله ما بینه و بین الناس، و من اصلاح امر اخرته اصلاح الله له امر دنياه؟ هر که رابطه خود را با خدا اصلاح کند، خدا (رابطه) میان او و مردم را اصلاح کند، و هر که کار آن جهان خود را به صلاح آورد، خدا کار این جهان او را اصلاح کند.»

۲- اصلاح رابطه انسان با خودش

از مهم ترین اهداف تربیت، اصلاح رابطه انسان با خودش است، به این معنی که انسان خود را بشناسد و استعداد هایش را در جهت تکامل و سعادت خویش به کار گیرد. انسان در مسیر زندگی خود، در هر جهتی که باشد جز خیر خود و سعادت زندگی اش هم و غمی ندارد و برای این منظور باید نظر و عمل خود را اصلاح کند، به گونه ای که بر او عقل حکومت کند، نه نفس، و عمل خود را مطابق با واقع و نفس الامر و غایتی که ایجاد و صنع برای آن بوده است، مطابق و سازگار کند. نفسی که با چنین عملی طلب کمال می کند نفسی سعید و نیکبخت است و پاداش تمام زحمتهایی که متحمل شده و کوششهایی که انجام داده است، در می یابد و ضرر و خسروانی نمی کند.^۷

بنابراین رستگاری یا حرمان آدمی، به تزکیه نفس یا الودگی آن بر می گردد. انسان برای رسیده به سعادت حقیقی باید برای اصلاح خود اهتمام ورزد و به هیچ وجه از این تمر غفلت نرزد، که اصلاح خود برترین اصلاحات است، چنان که از امیر المومنان (ع) وارد شده است:

«سیاسه النفس افضل سیاسه^۸ مدیریت نفس برترین تربیتهاست.»

نهج البلاغه، حکمت ۹۸

تفسیر المیزان، ج ۴، ۱۱۱-۱۱۲

شرح غرر الحکم، ج ۴

هر که این اهتمام را نکند و در جهت اصلاح خود گام بر ندارد، استعداد های الهی خویش را مدفون می کند و از عقل خویش بهره مند نمی شود.

۳- اصلاح رابطه انسان با جامعه

انسان موجودی اجتماعی است و نمی تواند به سوی غایت تربیت حرکت کند، مگر این که در میان جمع و بر اساس رابطه صالح اجتماعی سیر کند. انسان چه در حال آسایش و راحتی، و چه در یلا و سختی، لازم است قدرتهای مادی و معنوی خود را روی هم انباشته کند و کلیه شئون زندگی خویش را در پرتو روابط اجتماعی سالم و تعاون و همکاری اجتماعی به سامان رساند. خدای متعال اهل ایمان را به روابط اجتماعی صحیح فرا می خواند.

انسان صالح خود را مسئول و کفیل دیگر اعضای جامعه انسانی می بیند و برای تامین و بر طرف کردن نیاز های دیگران و حفظ سلامت و مصالح جامعه تلاش می کند. هر چه پیوند بنده با خالق هستی عمیق تر باشد، پیوندش با بندگان او و رحمتش به خلق او، بیش تر خواهد بود، تا جایی که نه به خود، دیگران می اندیشد و درد و رنج دیگران او را به درد می آورد، و آسایش و امنیت و هدایت و رستگاری همگان را می جوید. از امام صادق (ع) در این باره چنین روایت شده است: «خدای عز و جل فرموده است: مردم، خانواده و عیال من اند، پس محبوب ترین مردم نزد من، کسی است که نسبت به آنان مهربان تر و در (برطرف کردن) نیاز هایشان کوشا تر باشد.»^۹

۴- اصلاح رابطه انسان با طبیعت

شناخت طبیعت به عنوان مظهر حق و آیت الهی، و تسخیر و بهره مندی درست از آن در جهت سیر به سوی کمال مطلق، از اهداف مهم تربیت است. اگر انسان با اصلاح دل و بینش خویش به طبیعت بنگرد و در آن سیر کند و آن را مسخر کند و بهره مند شود، می توان به حق راه یابد.

۵- اصلاح رابطه انسان با تاریخ

دریافت انسان از جایگاه حقیقی خود در تاریخ و نگرش به حوادثی تاریخی و سیر در آنها و کسب اعتبار از آنها، و شناخت سنتهای حاکم بر تحولات و تطورات، از اهداف اساسی تربیت است که با دستیابی به آن، انسان می تواند حال و آینده خود را چنان که باید، اصلاح کند. دعوت قرآن کریم به درک تاریخ گذشتگان و سیر در حوادث گذشته، و توجه و دقت در سنتهای حاکم بر آندا، سیر دادن انسان به سوی مقصد تربیت است.

«قل سیروا فی الارض فانظروا کیف کان عاقبه المجرمین!» بگو: در زمین بگردید و بنگرید فرجام گنه پیشگان چگونه بوده است.» (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۱: ۴۳-۴۴)

نتیجه گیری

نگاه سند تحول بنیادین به انسان، نگاهی است که انسان را امانت الهی می پندارد و انسان را مجموعه ای از استعداد های خدادادی می داند که تلاش خود را جهت شکوفایی و پرورش این استعداد ها می نماید. سند تحول بنیادین نگاه وسیعی به استعدادهای متنوع و متکثر و متوازن انسان داشته، و براین اساس نظام آموزشی وظیفه دارد تمام ابعاد وجودی دانش آموز را شناسایی و زمینه پرورش استعدادهایش را فراهم کند.

سند تحول بنیادین بر اجتماعی بودن انسان تاکید می نماید و بر این نکته تاکید می نماید که باید انسان در مدارس با مسئولیت های اجتماعی و فردی خود آشنا شده و برای جامعه مفید واقع گردد.

الکافی، ج ۲، ص ۱۶۶:

قرآن، سوره نمل، آیه ۶۹:

انسان در طراز جمهوری اسلامی انسانی است که با باور به اعتقادات دینی و وفاداری به ارزش‌های اسلامی و ایرانی با ادبیات جهانی آشنایی داشته و مسئولیت خود را در صحنه ملی و جهانی انجام دهد و برای خود اصالت فردی و خانوادگی و رسالت ملی و جهانی قائل باشد.

سند تحول بنیادین در پی مهیا نمودن شرایط برای تحقق حیات طیبه است و سعی در آن دارد تا بتواند زمینه مناسب برای دسترسی را فراهم آورد.

بر اساس سند تحول بنیادین انسان در طراز انسانی است که دین اسلام را حق دانسته و آن را به عنوان نظام معیار بشناسد، از دانش‌های پایه و عمومی سازگار با نظام معیار اسلامی برخوردار بوده، دارای حداقل یک مهارت مفید برای تامین معاش حلال باشد، با درک مفاهیم اجتماعی و سیاسی و «احترام به قانون» و اندیشه ورزی در آن‌ها، شایستگی رویارویی مسئولانه و خردمندانه با تحولات اجتماعی و سیاسی را کسب می‌کند، با درک مفاهیم بهداشت فردی و اجتماعی و مسائل زیست بوم طبیعی و شهری به منزله امانات الهی، شایستگی حفظ و ارتقای سلامت فردی و گروهی را داشته باشد، با قدرشناسی و درک زیبا شناسانه آفرینش الهی و مصنوعات هنرمندانه بشری، درک مفاهیم فرهنگی و میان فرهنگی و بهره‌گیری از قدرت تخیل، توانمندی‌های لازم در خلق آثار فرهنگی و هنری را به دست بیاورد و زمینه تحقق حیات طیبه فراهم گردد.

منابع

- (۱) قرآن
- (۲) جمعی از نویسندگان (۱۳۹۱)، مجموعه مقالات همایش ملی رویکرد اسلامی در آموزش و پرورش، نوآوری‌ها و تجربه‌های موفق مدیران مدارس، تهران: انتشارات مدرسه.
- (۳) حسینی، سیدعلی (۱۳۷۹)، تعلیم و تربیت اسلامی (منابع و اصول)؛ تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.